

# بنویس تا اتفاق بیفتد

اثر

دکتر هنریت کلاوسر

www.ketab.ir

|                     |                                                                                          |
|---------------------|------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : کلاوزر، هنریت آن.                                                                      |
| عنوان و نام         | : Klauser , Henriette Anne                                                               |
| پدیدآور             | : بنویس تا اتفاق بیفتد / اثر هنریت کالوسر؛ ترجمه موسسه اندیشه ناب فردا.                  |
| مشخصات نشر          | : تهران: انتشارات آد، ۱۴۰۰                                                               |
| مشخصات ظاهری        | : ۲۲۴ص.                                                                                  |
| شابک                | : 978-622-98450-3-5                                                                      |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیپا                                                                                   |
| یادداشت             | : عنوان اصلی: Write it down make it happen: knowing what you want - and getting it! 2001 |
| یادداشت             | : کتاب حاضر تحت عناوین متفاوت توسط مترجمان و ناشران متفاوت                               |
| یادداشت             | : در سالهای مختلف منتشر شده است.                                                         |
| موضوع               | : کتابنامه.                                                                              |
| موضوع               | : هدف و هدف‌گزینی (روان شناسی)                                                           |
| موضوع               | : Goal (Psychology                                                                       |
| موضوع               | : ابزار وجود                                                                             |
| موضوع               | : Self-realization                                                                       |
| موضوع               | : برنامه ریزی                                                                            |
| موضوع               | : Planning                                                                               |
| شناسه افزوده        | : موسسه فرهنگی هنری اندیشه ناب فردا                                                      |
| رده بندی کنگره      | : BF ۵۰۵                                                                                 |
| رده بندی دیویی      | : ۱۵۸/۱                                                                                  |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۸۴۷۳۲۶۱                                                                                |
| وضعیت رکورد         | : فیپا                                                                                   |



### بنویس تا اتفاق بیفتد

نویسنده: دکتر هنریت کلاوسر

ناشر: انتشارات آد

ترجمه: مؤسسه اندیشه ناب فردا

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۵ - ۳ - ۹۸۴۵۰ - ۶۲۲ - ۹۷۸

آدرس: خیابان کریمخان زند، خیابان خردمند شمالی، کوچه اعرابی پلاک ۴

تلفن: ۸۸۸۱۲۲۰۳ - ۰۹۱۹۴۵۴۰۸۲۹

## مقدمه‌ی کتاب

مجسمه یک کاتب مصری روی پیشخوان اتاقم جا خوش کرده، یادم می‌آید سال‌ها پیش که به مصر سفر کرده بودم این مجسمه سنگی را با خودم آوردم. حالا هم چهار زانو در مقابلم نشسته و کاغذهای پاپیروس لوله شده را روی زانویش گذاشته، قلمی هم در دست دارد و آماده نوشتن است. چنان به افق‌های دور دست خیره شده، که انگار آینده را می‌بیند. او دقیقاً سیمیل چیزی است که من قصد دارم در کتاب حاضر بیان کنم. برای مصریان باستان، فقط چیزی که نوشته می‌شد عینیت می‌یافت.

## بزرگ فکر کنید، حتماً موثر واقع می‌شود

در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ عناوین بیشمار کتاب به چاپ رسید که موضوعاتش از این قبیل بود: «پیروزی!! راز موفقیت!! شما هم می‌توانید این کار را بکنید!!!» و همه در مورد «علم اندیشه» سخن می‌گفتند. یا این کتاب‌ها: «فکر کن و ثروتمند شو»، «از ناپلئون هیل، یا «جادوی باور»، از کلود ام بریستول، بعد در دهه‌ی پنجاه میلادی کتابی تحت عنوان «وقتی انسان فکر می‌کند» از جیمز آلن و به بازار آمد یا کتاب دیوید جی شوارتز با عنوان «جادوی فکر بزرگ» که همه و همه درباره‌ی «علم تفکر» یا همان «اندیشه» نوشته شده بودند، هنوز هم چنین عناوینی چاپ می‌شوند و بعد از شصت یا هفتاد سال در مغازه‌های کتاب فروشی وجود دارند و به نوعی خودنمایی می‌کنند و مورد استقبال قرار می‌گیرند؛ اگرچه زبانشان نامأنوس و کهنه و مهجور می‌باشد و مثال‌هایشان هم بسیار پیش پا افتاده است اما هنوز هم برای مخاطبان امروزی جذابیت دارند.





یک جزوه‌ی کوچک جیبی که در سال ۱۹۲۶ نوشته شده و تاکنون بیشتر از یک میلیون نسخه از آن به فروش رسیده است، عنوان بسیار ساده‌ای دارد: «مؤثر واقع می‌شود». همین! باورناتان می‌شود؟ نوشته آراج جی. این جزوه‌ی کوچک، اما پر محتوی، درباره‌ی «مثبت اندیشی» است. این کتاب علیرغم زرق و برق ظاهری حاوی پیام بسیار مهمی است. این کتاب گرانقدر با بیانی کوتاه آغاز می‌شود:

### اگر بدانی دنبال چه هستی، حتماً آن را به دست می‌آوری

در طول سال‌ها تحقیق درباره‌ی مغز، باز هم علم ما درباره‌ی این غشای پنبه‌ای، این دستگاه فعال سیستماتیک، ناچیز است و درباره‌ی کارکرد ذهن بشر و اینکه هنوز به ما گفته می‌شود «مؤثر است و کار می‌کند» ما را سخت حیرت زده می‌کند.

کتاب «بنویس تا اتفاق بیفتد» همان حس تعجب را در ما بیدار می‌کند و ریشه در این حقیقت علمی دارد که «تعیین هدف»، «تمرکز روی خروجی کار» و «شفاف بودن چیزی که واقعاً به دنبالش هستید» می‌تواند رویاهای شما را به واقعیت تبدیل کند.

در این کتاب عنصر کلیدی دیگری هم وجود دارد که نمی‌شود آن را به حساب نیاورد. عنصری که نه تنها در این کتاب بلکه در همه کتاب‌های ماندگار دیگر هم وجود دارد و آن این است که:

اولین قدم در تمام این کتاب‌ها این است: باید اهدافتان را بنویسید.

### داستان افراد معروف و نامدار:

من مرتب داستان‌های عجیب و غریبی را در مورد افراد مشهور می‌شنوم که همگی قبل از آنکه به شهرت برسند، رویاهایشان را روی کاغذ می‌آوردند و یا در جایی آن را ثبت می‌کردند. مثلاً «جیم کری» همین هنرپیشه‌ی مشهور دوران ما روزی به هالیوود هیلز رفت و یک





فقره چک ده میلیون دلاری برای خودش نوشت و بعد روی خطوطش نوشت: «به خاطر خدمات ارائه شده» و بعد این کمترین مشهور سالیان سال آن چک را همراه خود به این طرف و آن طرف می برد؛ بدون آنکه هنوز چنین مبلغی را دریافت کرده باشد، ولی بعدها یکی از پردرآمدترین بازیگران هالیوود شد و بیشترین دستمزدها را دریافت کرد، مثلاً در یک فیلم مبلغی بالغ بر بیست میلیون دلار به عنوان دستمزد و یا همان «خدمات ارائه شده» دریافت کرد. وقتی پدر کری از دنیا رفت، در یک حرکت نمادین آن چک را در جیب کت پدرش گذاشت، بعد پدرش را دفن کردند.

داستان دیگر مربوط به «اسکات آدامز»، خالق کتاب طنز «دیلبرت» است. تمام رؤیاهایی که آدامز در کاغذ ثبت کرده یکی یکی به واقعیت می پیوندند و تحقق می یابند. او معتقد است: «وقتی که یکی از رؤیاهایتان را می نویسید، شاهد وقوع اتفاقاتی هستید که دست به دست هم می دهند تا رؤیاهای شما به واقعیت پیوندند.»

وقتی اسکات به عنوان یک کارگر ساده ی غیر ماهر در اتافی کوچک برای یک شرکت در آمریکا کار می کرد، مرتب روی میز آموه اش مطالبی را می نوشت و نقاشی می کرد و بعد روزی پانزده بار این جمله را می نوشت:

من روزی بزرگترین نقاش کارتونی در سرتاسر اتحادیه ی کارتون سازان خواهم شد.

او شکست های زیادی را متحمل شد، اما بالاخره همان اتفاقی که منتظرش بود رخ داد: او قراردادی امضا کرد که کارهایش از طرف اتحادیه مورد استفاده قرار بگیرد، همانجا بود که دوباره جمله ی دیگری را روی کاغذ آورد:

من بهترین کارتون ساز دنیا خواهم شد

حالا چطور می توان قضاوت کرد که واقعاً چه کسی بهترین کارتون ساز دنیاست؟  
خب، به هر حال «دیلبرت» همزمان ۲۰۰۰ روزنامه در سرتاسر دنیا به چاپ می رساند.





سایت اینترنتی دیلبرت روزانه بیشتر از صد هزار بیننده دارد که هر روز به این سایت مراجعه می کنند و اولین کتاب او «اصول دیلبرت» بیشتر از یک میلیون و سیصد هزار نسخه به چاپ رسید و فروش رفت. محصولات متنوع آنها که از شخصیت های دیلبرت نشأت گرفته اند مثل ماوس پدها و فنجان های قهوه تا تقویم های رومیزی همه جا به چشم می خوردند، حتی یک برنامه ی هفتگی هم نمایشی را با همین عنوان در تلویزیون پخش می کند. اکنون که آرزوهای آقای آدامز تحقق یافته او باز هم هر روز پانزده بار می نویسد:

### من حتماً جایزه ی پولیتزر را می برم

«سوز اورمان»، جادوگر دنیای تجارت، نویسنده ی پر فروش ترین کتاب به روایت نیویورک تایمز، با عنوان «نه گام تا آزادی مالی» می باشد و همچنین یکی از مهمانان ثابت برنامه ی «اپرا» هم هست. او می گوید که چطور اولین قدمش را برداشته است. اوایل در «مریل لیج» کاری پیدا کرده بود و از اینکه نتواند به درصد فروشی که برایش تعیین کرده اند، برسد خیلی نرسیده بود. تا آن زمان هیچ وقت حقوقی بالاتر از چهارصد دلار در ماه، آن هم به عنوان پیشخدمت یک رستوران، دریافت نکرده بود. او می گوید: - چیزی را که می خواستم در ابتدا روی کاغذ نوشتم. هر روز صبح قبل از اینکه از خانه بیرون بروم باید این جمله را بارها و بارها می نوشتم:

من جوانم، قوی هستم و موفق و هر ماه می توانم ده هزار دلار درآمد داشته باشم.

حتی زمانی رسید که به این خواسته اش رسید، ولی باز هم این نوشته اش را همه جا با خودش می برد. «درست مثل یک سنگ شانس یا یک کلمه ی جادویی». او می گوید که من پیام «ترس و اعتقاد به نالایق بودن» را با پیام «امکانات نامحدود و بی پایان» جایگزین کردم و تغییر دادم و همه ی اینها را مدیون همان نوشته ام هستم. به روی کاغذ آوردن این حقیقت تازه، به من کمک کرد تا رؤیایم تحقق پیدا کند.

